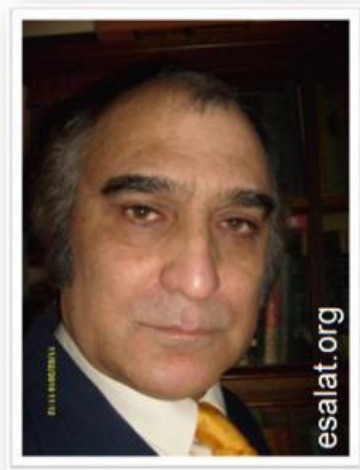


لشمک چاپلوس

(طنز)



دكتور فرید طهماس

با وی از سالهای نوجوانی آشنایی دارم، آدمی است بسیار خوش برخورد و با ادب؛ اما یک نقص کلان دارد: لشمک و چاپلوس است.

بیخی به خاطر دارم، همین دوست دیرینه من، از همو سالهایی که هنوز ریش و بروت نه کشیده بودیم تا امروز که سر و ریش ما کم کم سفید شده، در تمجید و توصیف دولتهای برسر اقتدار آنقدر مبالغه می کرد و مبالغه می کند که چه بگویم. او روزی نیست که به مدح و ستایش دهن باز نکند و من روزی نیست که از شنیدنش در حیرت فرو نه روم و از تعجب زیاد، کلکهایم را با دندانهایم نه گزم.

و یا شاید من خودم آدمی هستم کوتاهبین و احساساتی که در قضاوت نسبت به او دچار اشتباه شده و سالهاست این دوست دیرینه خود را به ناحق لشمک چاپلوس نامیده ام. خوب، به هر صورت، همین دوست نازنین من،

در زمان ظاهرخان می گفت:

"... خداوند رژیم سلطنتی را همیشه مستحکم و در پناه خود نگاه کند؛ از برکت همین رژیم است که یک لقمه نان خشک یا تر یافت می شود که بخوریم؛ پادشاه سایه خداست؛ خدا تخت و بختش را برقرار داشته باشد!

زنده باد شاه، زنده باد قوم، سربلند باد بیرق افغان!"

در زمان داوود خان:

"... فقط همین داوود خان بود که توانست رژیم مستبد و فاسد سلطنتی را سرنگون کند و به جای آن نظام جمهوری را برقرار سازد. داوود خان اگرچه خودش نیز به خاندان شاهی مربوط است، اما روابط خاندانی او، مانع سرنگونی رژیم خودکامه سلطنتی شده نتوانست. مبارک مبارک، جمهوری ما مبارک!؛ زنده باد داووووووود!"

در زمان نورمحمد تره کی:

"... نور محمد تره کی از بین توده ها برخاسته و در بین توده ها قرار دارد و از آنان در عمل دفاع می کند. سرنگونی داوود مستبد و رژیم خودساخته او یک اقدام بکلی درست و تاریخی بود. این کار را فقط فرزندان اصیل کشور ما در رأس رفیق تره کی می توانست انجام دهد و بس. زنده باد نور محمد تره کی!"

در زمان حفیظ الله امین:

"... حفیظ الله امین، قوماندان مستقیم انقلاب ثور است! او نه تنها باطن زیبا، بل که ظاهر زیبا نیز دارد!

ببین که چه شعار پرمعنایی را به خاطر زنده گی و سعادت مردم ما مطرح کرده است: مصونیت؛ قانونیت؛ عدالت!

حفیظ الله امین آدمی دورسنگ است، از همین حالا دشمنان سوگند خورده مردم و وطن ما را از چپ و راست سر به نیست می کند تا مردم ما در آینده بتواند در روشنی صلح و امنیت کامل زنده گی کند! اگر من معمار می بودم، یک زندان جدید دیگر نیز مانند "زندان پلچرخی" اعمار می کردم تا

حفیظ الله امین تمام دشمنان مردم و وطن را در آن جا زندانی و شبانگهان آنان را جوقه جوقه زنده بگور می ساخت. زنده باد حفیظ الله امین! . . ."

در زمان ببرک کارمل:

" . . . اگر ببرک کارمل همین جرأت تاریخی را نمی کرد و با درک عمیق از اوضاع و شرایط داخلی و بین المللی به نفع مردم زحمتکش کشور داخل اقدام نمی شد، خدا می دانست که این حفیظ الای امین غدار و آدمکش چه قدر انسانهای بیگناه دیگر، شامل شخصیت‌های سیاسی، ملی، فرهنگی، و مذهبی را میکشت و به نام دفاع از انقلاب، مردم را بر ضد انقلاب تحریک می کرد.

شکر خدا که مردم ما از دست امین سفاک رهایی یافت؛ حالا دیگر هیچ جای تشویش باقی نمانده است؛ قوای مسلح ما در همکاری نزدیک با قشون سرخ اتحاد شوروی در دفاع مردم و کشور از خطر تجاوز امپریالیزم خون آشام قرار دارد. زنده باد ببرک کارمل! . . ."

در زمان داکتر نجیب الله:

" . . . مصالحه بهترین کار است، بخصوص که مصالحه - مصالحه ملی باشد! تا کنون هیچ کسی در باره ختم جنگ فکر نه کرده بود، تنها همین داکتر صاحب نجیب بود که این جرأت و شهامت تاریخی را از خود نشان داد و مصالحه ملی را اعلام کرد. دیگر همه چیز حل شده است؛ انشاءالله عنقریب همهء مجاهدین سلاح بر زمین می گذارند و مصالحه ملی پیروز می شود و دنیا گُل و گلزار خواهد شد. خوب شد که روسها وطن ما را ترک کردند. پس از این مردم آزاده، با شهامت و وطنپرست ما به هیچ کشوری خارجی حق مداخله نظامی را نخواهد داد؛ زنده باد داکتر نجیب الله! . . ."

در زمان صبغت الله مجددی:

" . . . خداوند متعال، حکومت مجاهدین را موفق و شرفراز داشته باشد! حالا دیگر جهاد مقدس علیه کمونستان لعین و وطنفروش به پیروزی رسید. انشاءالله کشور آزاد و مستقل ما منبهد تحت قیادت مجاهد بزرگ حضرت صاحب صبغت الله مجددی به پیروزیهای بزرگتر دست خواهد یافت. زنده باد جهاد مقدس مسلمانان! زنده باد حضرت صاحب صبغت الله مجددی! مرگ به حزب دموکراتیک خلق افغانستان! مرگ به کمونیستان! مرگ بر شوروی! زنده باد امریکا! زنده باد بریتانیای کبیر! زنده باد فرانسه! . . ."

در زمان برهان الدین ربانی:

"... پروفیسور استاد برهان الدین ربانی از نظر سن و سال نیز نسبت به مجددی جوان و با انرژی است. من اطمینان دارم که اگر استاد ربانی از همان آغاز حکومت مجاهدین به عوض همین صبغت الای مجددی سرقدرت می آمد، حالا این مشکلات در کشور ما وجود نمی داشت..."

در زمان ملا محمد عمر:

"... امیر المومنین رهبر طالبان، اصلاً برای حکومت داری بالای مردم افغانستان ساخته شده است. با همین گونه مردم به اصطلاح "سوته مسلمان" همین گونه رویه باید صورت گیرد، در غیر آن مردم ما اصلاح و کشور ما آباد نمی شود. من از اول می گفتم که زنان باید چادری ببوشند و بدون محرم از خانه بیرون نه شوند؛ اصلاً زن چه کاره است که خانه را مانده، به بیرون برآید؟؛ به زن نباید حق داده شود که...؛ به زن نباید موقع داده شود که...؛ زن حق ندارد که...؛ زن، زن است؛..."

سالها می گفتم که مردم ما، الحمدلله مردم مسلمان است و در کشور مسلمانان، موجودیت بتهای بامیان چه معنی داشت؛ خدایا شکر که دامن بت و بت پرستی برای ابد از کشور مسلمانان برچیده شد. ما شکر الحمدلله مسلمانیم و از امیر المومنین اطاعت می کنیم و از قوانین شریعت یک سانتی متر هم پای خود را بیرون نمی گذاریم. خداوند امیر المومنین را خیر بدهد و عمر دراز نصیبتش فرماید، آمین!"

در زمان حال، یعنی دوره دوم ریاست جمهوری حامد کرزی:

"... خوب شد که عدالت برقرار شد. حالا دیگر قانون اساسی، قانون احزاب و دیگر قوانین مترقی به تصویب رسید، مردم می تواند در پرتو قانون و عدالت و در فضای کاملاً آزاد و دمکراتیک نماینده گان شان را انتخاب کند؛ دموکراسی واقعی که سالها در انتظارش بودیم، دیگر در وطن ما تامین شده است. در روشنی همین دموکراسی است که دهقانان ما بدون هرگونه تشویش، به کشت و زراعت می پردازند و هرچه خواسته باشند می کارند و محصولات شان را حتی به خارج نیز صادر می کنند.

حالا دیگر آمریکا و کشورهای ناتو، این دوستان واقعی و تاریخی مردم ما، ملیارد ها دالر را سخاوتمندانه به مردم افغانستان کمک کرده و کمک می کنند! خداوند متعال کشورهای دوست، به رهبری آمریکا، این یگانه ابرقدرت جهانی را همیشه پیروز و سرفراز داشته و رییس جمهوری منتخب ما جناب کرزی صاحب را در امان نگهدارد! من از همان دوره اول ریاست جمهوری

کرزی صاحب می گفتم که فقط و فقط همین جناب کرزی صاحب است که شایسته گی دوره دوم ریاست جمهوری افغانستان را دارد و بس! . . ."

تذکر:

همین دوستک دیرین من که نامش را به شوخی لشمک چاپلوس گذاشته ام و نقل قولهایی از او را یادآور شدم، از همان سالها تا امروز، هیچ چیزی را از دست نداده، بل که چیزهای زیادی را به دست آورده است؛ لیکن من بی چاره در این مدت نه تنها چیزی به دست نیاورده، بل که از حیرت و تعجب، کلکهای خود را با دندانهایم گزیده گزیده، چارکلیک و سه دندان، به شمول دندان عقلی خود را نیز از دست داده ام.

پایان؛

سال دوهزار و ده میلادی

7 April 2010 0:03:42

توجه!

کاپی و نقل مطالب از «اصالت» صرف با ذکر منبع و نام «اصالت» مجاز است

کلیه ی حقوق بر اساس قوانین کپی رایت محفوظ و متعلق به «اصالت» می باشد

Copyright©2006Esalat

www.esalat.org